



<http://www.arianafghanistan.com>



۹ جولای ۲۰۲۰



خلیل الله معروفی

یادداشت:

باز هم یکی از مقالات سابقم را از آرشیفم در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" برون آورد و به حضور خوانندگان گرانقدر "آریانا افغانستان آنلاین" تقدیم میکنم؛ البته در ساعت نیک!!! این مقاله به تاریخ ۱۰ می ۲۰۱۵ و به تقریب هفتادمین سالگرد ختم جنگ عمومی دوم نگاشته شده است. مقاله خلاف مقالات دیگر با خاطره ای از سه خواهر قهرمان جنگ عمومی دوم نوشته شده، که بالطبع بر گوشه ای از صفحات تلخ تاریخ اروپا و جهان روشنی می اندازد.

دامن دامن گل به سه خواهران^۱

به افتخار فیروزی ما!!!



در ساعات شام هشتم می ۱۹۴۵ بود، که سند تسلیم بدون قید و شرط اردوی المان نازی موسوم به "وېرمخت" Wehrmacht، در حضور مارشال ژوکوف امضاء شد؛ و ازان زمان هفتاد سال تخت میگذرد. اردوی قهار و سفاک هیتلری، که تاریخ تا آن زمان نظیرش را به خود ندیده بود، برای جبهه "بربروسا" Barbarossa^۲ ترتیبی عظیم گرفته بود و با اُبّهتی بی مانند، و بدون اعلان جنگ، بر اتحاد شوروی حمله برد....

این، که در مدت پنجساله جنگ عمومی دوم بر ممالک شامل حرب و بر سرزمینهای، که در آن آتش سوخت، چه گذشت، هنوز تار و پود تاریخ را میلرزاند. مگر ثقلت جنگ در جبهه شرق بود، که در "مین کمپف" Mein Kampf - کتاب مشهور آدولف هیتلر - ازان به نام "فضای حیاتی" Lebensraum یاد میگذرد. المان نازی میخواست مملکتی را بر ویرانه های اروپا و خصوصاً بر خرابه های سرزمین وسیع اتحاد شوروی بناء نهد، که قرار بود پایتختش "گرمانیا" Germania باشد - در همین برلین - و پلانهای پایتخت جدید "رایش سوم" را مهندس مشهور المان نازی، "البرت شپپر" Albert Speer تهیه کرده

^۱ - در زبان دری "معدود" همیشه مفرد است، همان قسمی، که "صفت" نیز مفرد است؛ یعنی "دو دختر خلموک همسایه" میگوئیم و "چارده معصوم پاک" و "چل قاضی کور" و "هزاران جانباز دلیر". در قدیم مگر چنین نبوده، بلکه بعضاً هم "معدود" را در هیئت جمع استعمال میکردند، و هم "صفت" را؛ چنانچه در نثر قدیم دری مثالهای فراوان را در زمینه یافته میتوانیم. البته بعض ترکیبات را، که شکل اسم خاص را بخود گرفته اند، هنوز هم در زبان خود بدین شیوه یافته میتوانیم، که لطفی خاص در آن نهفته است، مثل "چل دختران" و "هفت اقران". در عنوان اگر "سه خواهران" آمده، تیمناً به همین مناسبت استعمال قدیم بوده است و بس.

^۲ - پلانگذاران جنگ عمومی دوم برای هر جنگ تجاویزی نام شفوی خاص انتخاب کرده بودند، از جمله حمله وسیع بر اتحاد شوروی را، که با شرکت یک و نیم ملیون عسکر نازی در جبهه ای به طول یک هزار کیلومتر به عمل درآمد، نام مخفی "بربروسا" داده بودند و Barbarossa نام یکی از ملکه های معروف المان بوده، و هنوز هم در تاریخ المان با افتخار از "ملکه بربروسا" Königin Barbarossa نام میبرند.

بود؛ و او کسی بود از معتقدان نزدیک هیتلر؛ و در هنگام زمامداری هیتلر وزیر تسلیحات المان. البرت شپیر بعدها در زندان مخوف "شپندو" Spandau برلین فرسود و در همانجا جان از تنش بُور شد

هیتلر، که شکست المان در جنگ عمومی اول استخوانهایش را میسوخت، میخواست به انتقام برخیزد و رایش هزارساله را بنیاد گذارد. قرار بود، که "رایش سوم" Drittes Reich آن قسمی، که در مخیله پرجنون هیتلر میگذشت، بایست هزار سال تمام دوام آورد

قراری، که تاریخ ثبت کرده است، "لوفت و فیه" Luftwaffe؛ یعنی "قوای هوایی" المان هیتلری در ابتدای جنگ عمومی دوم، "سی و نه هزار" - بلی؛ "سی و نه هزار" - طیاره جنگی در اختیار داشت و چنین یک انبوه طیارات را نه در زرادخانه های ناتو دیده توانستیم و نه در زرادخانه های پیمان معدوم وارسا - نه به تنهایی و نه در مجموع!!!

اما در جبهه گسترده اتحاد شوروی چه گذشت؛ از اقصا نقاطش از کیف تا مسکو و تا استالینگراد و ...؟؟؟ همه در تاریخ ضبط گردیده است. مردم اتحاد شوروی آن زمان تحت رهبری آهنگین ستالین با قهرمانیهای بیمانند به دفاع وطن خود برخاسته و قربانیهای دادند، که تاکنون در تاریخ نظیر ندارد؛ بیشتر از بیست میلیون قربانی هم به دهان راست می آید!!!

البته اگر از قربانیهای مردم خود ما در جنگ تجاوزکارانه فاشیستی برژنف و دار و دسته آدمکش و خبثتگسترش چشم بپوشیم - احصایه های دقیق در زمینه وجود ندارد، ولی آمار تخمینی از یک تا دو میلیون را ثبت کرده است و این رقم به تناسب نفوس وطن عزیز ما، حتی از قربانیهای گراف شوروی در جنگ عمومی دوم نیز سرریزه میکند!!!

در میان قهرمانان جنگ دفاعی مادروطنی^۳ اتحاد شوروی، "اولگا" Olga و دو خواهرش هم دیده میشدند، و رشادتهای این "خواهران قهرمان" در تاریخ اتحاد شوروی به خط زرین نوشته شده است

"اولگا" و دو خواهرش - این خواهران رشید - بعد عمری؛ و بعد از گذشت هفتاد سال تخت، به قریه و زادگاه خود بازگشتند - به قریه ای بسیار حقیر و فقیر - و به استقبال بی مثال و سیل اشک همسایگان پیر و جوان خود بدرقه گشتند!!!

صحنه هایی ازین سه خواهر قهرمان را در تلویزیون "فنونیکس" Phoenix المان تماشا کردم و اشک ریختم:

- اشک به خاطر شهامت و جانبازی این سه خواهر
- اشک به پاس آغوش مهرگستری، که در اهل ده و زادگاهشان باز گشته بود
- و سیل اشک در پیشگاه مادران دلاور و بردبار وطن محبوب خود من!!!

"سه خواهران قهرمان" - در جمع دوستان نشسته - بیکهای صهبای خود را بلند کردند و همه به یک آواز نعره زدند:

به افتخار فیروزی ما!!!

(خلیل الله معروفی - برلین - دهم می ۲۰۱۵)

دامن دامن گل به سه خواهران

Maroofi_k_daaman_daaman_gol.pdf

^۳ - این اصطلاح در زبانهای فرنگی در هیئت "پدروطن" آمده است، چنان، که در زبان المانی "وطن" را از روی مهر و عزت Vaterland نامند. در فرهنگ و در ادبیات خود ما مگر حدیث از "مادر وطن" و "مادروطن" میروند؛ و "وطن" است که "مادر مادران" است و مادر جفاکش همه ما!!!